ب) نحوه محاسبه مقارنه و امکان آن در صبح بیست و نهم ماه

شاگرد: در روایت دارد «فوه ماهان هلال جدید»، ندارد که «فوه ماهان شهر جدید».

استاد: «لم یر» را چطور معنا می‌کنید؟

شاگرد: چه دیده شود و چه دیده نشود هلال داریم. هلال جدید داریم. ظاهر روایت این است. شما می‌فرمایید چه دیده شود و چه دیده نشود بالأخره فردا قبل از زوال هلال داریم.

استاد: شما «رئی او لم یر» را به نقص ما می‌زنید؟ «رئی»؛ یعنی دیدیم، «او لم یر» یعنی ندیدم به‌خاطر نقص‌مان، این‌طور معنا می‌کنید؟ یا نه، «لم یر» یعنی لایمکن رویته؟

شاگرد: اگر «لایمکن رویته» است، چطور هلال جدید است؟

شاگرد۲: می‌توان به فرمایش آقا این ضمیمه را هم کرد که این تنها یک فرض بحث است. شاید در ذهن غالب این باشد که اگر دیده نشده بود تا مغرب هم پیدا شود. یعنی مجموعه‌ای از مصادیق است، بعد حضرت حکم می‌کنند «فوه ماهان هلال جدید»، حال به اعتبار وقت هایی است که واقعاً هست، مواردی هم که نیست حکما ملحق می‌شود.

شاگرد: مواردیکه واقعاً هست، خیلی کم است. حتی غالب نیست. حتی معلوم نیست به نصف برسد. چون وقتی در این طرف نگاه می‌کنید و نمی‌بینید یعنی هلال در سه درجه-پنج درجه است که آن را نمی‌بینید. اگر تا غروب در نهایت پنج درجه دیگر جلو می‌آید که تازه ای مقارنه است ای مقداری از مقارنه رد شده.

استاد: پس «لایری». لذا لایمکن رویته.

شاگرد: نه، ایشان می‌گویند در خیلی از موارد هلال جدید داریم، آن مواردی هم که نداریم ملحق می‌کنیم. می‌گویم خیلی از موارد هلال نداریم.

شاگرد۲: لازمه‌اش این است که حتماً دو-سه درجه باشد؟

استاد: وقتی شما نمی‌بینید بله. اگر در پنج ای شش درجه باشد درصورتیکه طلب شود ممکن است قابل رؤیت باشد. وقتی شما آن را نمی‌بینید یعنی چهار، سه و یک است که آن را نمی‌بینید.

شاگرد۳: و همچنین صفر و یک و دو از آن طرف هم اضافه می‌شود.

شاگرد: نه، بیست و نهم که هنوز به آن طرف نرفته است. صبح بیست و نهم هنوز این طرف است، هنوز به مقارنه نرسیده است. بعد از بیست و نهم باید یک مقداری برود تا به مقارنه برسد. متوسطش دوازده ساعت است. حالا متوسط نه، هشت ساعت.

شاگرد۱: بیست و نهم را حکما حساب کردیم. نه واقعی.

شاگرد: فعلاً بیست و نهم واقعی را بگوییم تا به حکمی برویم.

استاد: ببینید این نکته‌ای که گفتند که چون ماه بیست و نه روز و دوازده ساعت است، مثل سیام که من گفتم قطعاً گذشته، ایشان هم می‌گویند در بیست و نهم قطعاً نگذشته است.

شاگرد: صبحش. یعنی هنوز این طرف است.

استاد: خُب یعنی زودتر طلوع می‌کند. غدوات یعنی قبل از طلوع. وقتی به مقارنه نرسیده اول ماه، طلوع می‌کند، لذا آن را می‌بینیم.

شاگرد۲: اگر زاویه آن کم باشد نمی‌بینیم.

استاد: ایشان می‌گویند قطعاً دیده می‌شود، چون نرسیده و دوازده ساعت مانده.

این نکته را عرض کنم؛ ببینید برای ما روز بیست و نهم است. اما بیست و نه روز و دوازده ساعت که نسبت به این بیست و نه روز آلآن، نیست. برای اول ماه است که دوازده ساعت زودتر شروع شده بود. نه این‌که آلآن شما بگویید چون بیست و نهم است، قطعاً قبلاً طلوع می‌کند و به مقارنه نرسیده. ماه بیست و نه روز و دوازده ساعت است، اما چون شروع هلال بعد از آن مقارنه قبلی به فاصله هجده ساعت- بیست ساعت صورت گرفته، درست است آلآن بیست و نهم ما است، اما برای مقارنه بیست و نه روز و نیم، در شده. و لذا در صبح بیست و نهم ما می‌توانیم نگاه کنیم و ماه نباشد و بعدش طلوع کند. این نکته مهمی است. ببینید اگر شما از اول مقارنه شروع کنید،می‌گویید بیست و نه روز و نیم طول می‌کشد تا به مقارنه بعدی برسیم. شروع اول ماه که از مقارنه نبوده. پس بیست و نهم ما، سیام آن مقارنه است.

شاگرد۲: همچنین بیست و نهم امروز می‌سازد با این‌که رؤیت ماه از دو بعد از ظهر ماه قبلی است ای غروب باشد ای نصف شب باشد.

استاد: بله، تمام اینها دخالت دارد.

شاگرد۲: منظورم من هم همین بود. یعنی اگر امروز بیست و نهم باشد می‌سازد با این‌که روز اول ماه از دو بعد از ظهر ماه قبل شروع شده باشد. یعنی خودش هفت-هشت ساعت خلا دارد؛ لذا به لحاظ حکمی می‌گوییم امروز بیست و نهم است. و الا در گردش ماه، بیشتر از بیست و نهم است.

استاد: لذا این امر معقولی است که در غدوه ما که روز بیست و نهم ما است، قمر از مقارنه در شده باشد. یعنی اول شمس طلوع کند و بعد قمر طلوع کند. این معقول است. چون از مقارنه باید بیست و نه روز و نیم باشد. نه از رؤیت هلال و روز اول ماه.

بازبینی #1
ایجاد شده 26 آوریل 2026 13:58:59 توسط ... .
به روزرسانی شده 26 آوریل 2026 14:01:54 توسط ... .